

## The Relationship of Social Interest, Narcissism, and Marital Satisfaction: A Cross-Cultural Study in Iranian and Afghan Couples

Rahimi, A., Azadfallah, \*P.

## مقایسه علاقه اجتماعی، خودشیفتگی و رضایت زناشویی در زوجین ایرانی و افغانستانی

احمد رحیمی<sup>۱</sup>، پرویز آزاد فلاح<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۷

### Abstract

**Introduction:** The purpose of this study was to compare two groups of Iranian and Afghan couples in social interest and narcissism, as well as, determining the relationship of these variables with marital satisfaction considering moderating role of nationality.

**Method:** This research was conducted by an ex-post facto design on a population including all 22 to 45 year-old Iranian and Afghan married couples living in Iran and Afghanistan with bachelors and master's degree. Among these population a final sample of 101 Iranian couples and 101 Afghan couples were selected by referring to 5 university centers in the Iran and 4 university centers in the Afghanistan and were asked to complete the research questionnaires. Students with a history of psychiatry or psychology interventions over the last year were excluded from the final list.

**Results:** The narcissism average scores of Afghan couples was significantly less than Iranian couples (8.93 v.s 12.01), while in social interest variable only a nonsignificant higher average score was observed (138.71 v.s 123.53). Marital satisfaction was significantly correlated to social-interest and narcissism in Afghan (0.42, -0.24) and Iranian (0.38, -0.24) couples.

**Conclusion:** The results of this study indicated the lower narcissism levels of Afghan couples rather than Iranian couples.

Marital satisfaction was strongly associated to social interest and narcissism in both Iranian and Afghan couples. Considering this difference and association in understanding of their psychological problems seems necessary.

**Keywords:** nationality, culture, social interest, narcissism, marital satisfaction.

### چکیده

**مقدمه:** هدف از پژوهش حاضر مقایسه دو گروه از زوجین ایرانی و افغانستانی در متغیرهای علاقه اجتماعی و خودشیفتگی، و نیز تعیین رابطه این دو متغیر با رضامندی زناشویی و نقش تعدیل‌کنندگی ملیت بود.

**روش:** این تحقیق با یک طرح علی مقایسه‌ای بر روی جامعه آماری شامل کلیه زوجین دانشجوی متأهل ۲۲ تا ۴۵ ساله ایرانی و افغانستانی ساکن در ایران و افغانستان که تحصیلات لیسانس و فوق‌لیسانس داشتند انجام شد. از میان این افراد ۱۰۱ زوج دانشجوی متأهل ایرانی و ۱۰۱ زوج دانشجوی متأهل افغانستانی به صورت در دسترس با مراجعه به ۵ مرکز دانشگاهی در ایران و ۴ مرکز دانشگاهی در افغانستان انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. همچنین دانشجویانی که در طی یکسال گذشته به روان‌شناس یا روانپزشک مراجعه کرده بودند از فهرست نهایی نمونه خارج شدند.

**یافته‌ها:** میانگین نمرات زوجین افغانستانی بطور معنادار در خودشیفتگی کمتر از زوجین ایرانی بود (۸/۹۳ در برابر ۱۲/۰۱)، در حالیکه برای علاقه اجتماعی یک میانگین بالاتر غیرمعنادار زوجین افغان (۱۳۸/۷۱ در برابر ۱۲۳/۵) مشاهده شد. رضامندی زناشویی بطور معنادار با علاقه اجتماعی و خودشیفتگی زوجین افغان (۰/۴۲ و -۰/۲۴) و ایران (۰/۳۸ و -۰/۲۵) ارتباط داشت.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر بیانگر خودشیفتگی کمتر زوجین افغان نسبت به زوجین ایرانی و همبستگی رضایت زناشویی زوجین ایرانی و افغانی با علاقه اجتماعی و خودشیفتگی است. در نظر گرفتن این تفاوت در درک مسایل روانشناختی آنان ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** ملیت، فرهنگ، علاقه اجتماعی، خودشیفتگی، رضایت زناشویی.

## مقدمه

روان‌شناسی فرهنگی، بر این باور است که محتوای یک فرهنگ، تأثیری پایدار بر رفتار، احساسات و اندیشه‌ها می‌گذارد و فرهنگ متغیری است که توسط همهٔ کسانی که به آن فرهنگ تعلق دارند، یکسان تجربه نمی‌شود. روان‌شناسان فرهنگی، امروزه به مقایسه‌ی میان فرهنگی علاقه‌مند شده‌اند. روان‌شناسی میان فرهنگی به مطالعهٔ تطبیقی فرهنگ‌ها می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی افراد را در گروه‌های مختلف قومی بررسی می‌کند (۱).

سازمان بهداشت جهانی خانواده را به عنوان عامل اجتماعی اولیه در افزایش سلامتی و بهزیستی جامعه معرفی کرده است. سلامت و پویایی خانواده ریشه در سلامت روان و شادابی زوجین، و سلامت روانی زوجین به نحوه تفکر، احساس و عمل آنها بستگی دارد (۲).

ازدواج پدیده‌ای است که در زندگی اجتماعی انسان، شکل فرهنگی به خود گرفته و در هر جامعه و فرهنگی شرایط و ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرده است. در افغانستان و ایران نیز، ازدواج از موضوعات مهم زندگی هر فرد دانسته می‌شود. در جامعه جمع‌گرای افغانستان، که در آن خانواده، گروه و دیگران، از اهمیت خاصی برخوردارند، ازدواج نیز تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ جمع‌گرایی، قرار گرفته است و پیچیدگی‌های خاص خود را پیدا کرده است. با تغییرات اجتماعی شدیدی که افغانستان در دهه ی اخیر شاهد آن بوده است، فرهنگ ازدواج نیز تأثیرپذیری خاص خود را از این تغییرات داشته است.

صرف نظر از گروه خویشاوندی، قومیت و منطقه جغرافیایی، بیشتر ازدواج‌ها در افغانستان به صورت توافق بین گروه‌های خانوادگی است. عوامل درونی و بیرونی زیادی در تصمیم‌گیری ازدواج نقش دارند. درجه نفوذ زنان در تصمیم‌گیری برای ازدواج در خانواده، بسته به وضعیت نسبی آنها و ساختار خانواده متغیر می‌باشد. به طور مثال: در افغانستان بیوه زنان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری داشته باشند. ازدواج در فرهنگ افغانستان یک قرارداد است که، در نتیجه توافق بین دو خانواده و نه یک رابطه عاطفی بین دو نفر شکل می‌گیرد. در افغانستان ازدواج بخشی از مجموعه‌ای از سنت‌ها و تعهدات است. نهاد ازدواج نقش کلیدی در ثبات و اتحاد خانواده و

همچنین در تقویت شبکه‌های از پیش موجود بازی می‌کند. توافق در ازدواج شامل جنبه‌های سیاسی و اقتصادی است، هنگامی که خانواده‌ها به توافق می‌رسند، زن و مرد نامزد می‌شوند تا زمانی که به ازدواج منجر شود (۳). حتی اگر قانون برای ابطال توافق ازدواج اجازه دهد، این اتفاق به ندرت می‌افتد. به طور کلی وقتی رابطه شکسته می‌شود برای یک زن مشکل‌سازتر خواهد بود تا برای مرد به این معنی که خطر مجرد ماندن برای زن‌ها بیشتر است و مردها می‌توانند وارد رابطه دیگری شوند. افغان‌ها بر این عقیده هستند که اگر زن و خانواده‌اش محترم باشند پس هیچگاه این رابطه به جدایی منجر نمی‌شود (۴).

در ایران نیز خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه است. در گذشته بیشتر به شکل کانونی بوده است و نظام سیاسی و دینی در جامعه متأثر و مکمل آن بوده است. ولی در دوره جدید خانواده ضمن اینکه یکی از کانون‌های اصلی اندیشه و عمل است، ولی حیات آن در متن اجتماع معنی یافته است و خانواده اگر اجتماعی باشد می‌تواند موفق‌تر باشد. بدین لحاظ، خانواده ضمن اینکه بر دیگر نهادها اثر گذار است، از آن‌ها نیز تأثیر خواهد گرفت. ولی آنچه قابل اشاره است این است که خانواده ایرانی دستخوش تغییرات عمده‌ای گشته است، چنان که در بسیاری از موارد کارکردها و ویژگی‌ها و ساختارهای آن دچار تحولاتی شده است که از عوامل این تغییرات می‌تواند به این شرایط جدید اشاره کرد: شرایط اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات، مشارکت بیشتر زنان، اهمیت فرزندان در کنار اولیا، توسعه رسانه‌های جمعی، مد، مصرف‌گرایی و مهاجرت موجب شده تا زنان در کنار مردان در تغییرات ساختار خانواده نقش داشته باشند (۵). ازدواج به عنوان مهم‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی پایه و اساس تشکیل خانواده است (۶). ازدواج و رابطهٔ زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. مهم‌ترین پیامد ازدواج و تشکیل خانواده آرامش و رضایتی است که اعضای خانواده کسب می‌کنند و یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی است (۷). افراد متأهل در مقایسه با هم‌تایان مجرد خود بهزیستی<sup>۱</sup> بیشتری دارند و ویژگی‌های<sup>۲</sup> مثبت زیادی نشان می‌دهند. به عنوان مثال، افراد متأهل

1- well-being

2- characteristics

کمتر از افسردگی رنج می‌برند، سلامت جسمی بهتری دارند، عمرشان طولانی‌تر است (۸) و احتمال مصرف و سوءمصرف مواد در آنها کمتر است (۹). در حقیقت رضایت زناشویی یکی از عوامل پیشرفت و دست‌یابی به اهداف زندگی است که در طی آن زن و شوهر با هم احساس شادمانی و رضایت دارند (۱۰).

رضایت زناشویی، یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی در زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف، رضایت زناشویی نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (۱۱). در تعریف دیگری رضایت زناشویی عبارت از وجود یک رابطه دوستانه همراه با حس تفاهم و درک یکدیگر و وجود یک تعادل منطقی بین نیازهای مادی و معنوی زوج است. رضایت زناشویی در خانواده مهم‌ترین رکن سلامت روانی افراد خانواده است. این ارتباط فرآیندی است که طی آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیرکلامی به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند و ارتباط کارآمد میان زن و شوهر اساسی‌ترین جنبه برای عملکرد مطلوب در خانواده به شمار می‌آید (۱۲).

رابطه بسیاری از عوامل با رضایت زناشویی<sup>۱</sup> سنجیده شده است. این عوامل را می‌توان در سه طبقه: ۱- شخصی؛ ۲- بین‌فردی؛ و ۳- اجتماعی/ اقتصادی جای داد. از جمله متغیرهای شخصی که در رضایت زناشویی موثر شناخته شده است، دو ویژگی شخصیتی علاقه اجتماعی<sup>۲</sup> و خودشیفتگی<sup>۳</sup> است.

علاقه اجتماعی یکی از مفاهیم عنوان شده به‌وسیله آدلر و مفهوم مرکزی نظریه شخصیت او است (۱۳). در توصیف این مفهوم تعاریف زیادی بیان شده و هر یک آن را از بعد خاصی مورد توجه قرار داده‌اند. بنابر نظر آدلر، علاقه اجتماعی شاخص اصلی سلامت روانی است و افراد برخوردار از علاقه اجتماعی تلاش خود را به سمت فعالیت‌های سودمند به حال اجتماع سوق می‌دهند (۱۴).

علاقه اجتماعی، شامل احساس بیرونی نسبت به تمام انسان‌ها است ماهیت علاقه اجتماعی، ارزش گذاشتن بر چیزی بیرون از خود بدون انگیزه‌های پنهانی و نیز عدم حضور واقعی خودمحوری، خودخواهی و خودشیفتگی است.

علاقه اجتماعی بر مبنای شباهت و همانندی یک فرد با دیگران و تعالی و نیز علاقه‌مندی به خود است که منجر به

ارتباط اصیل با انسان‌ها و گرایش به مبارزه برای رفاه جامعه می‌شود (۱۵). آدلر اعتقاد داشت که علاقه اجتماعی در امور جاری زندگی مانند دوستی، عشق و کار متجلی می‌شود و سلامت روانی فرد، نیازمند کنار آمدن و سازگاری موفق فرد با این چالش‌های اصلی و جاری در زندگی است. به نظر آدلر، علاقه اجتماعی پیامدهای مهمی برای سازگاری فرد دارد و در عین حال موجب سلامت جامعه می‌شود. علاقه اجتماعی به عنوان پایه و اساس سلامت روانی بوده و پیگیری و ردیابی بسیاری از مشکلات درون فردی و بین‌فردی به عدم حضور احساس یا علاقه جمعی و اجتماعی ختم می‌شود.

مفهوم علاقه اجتماعی آنقدر اهمیت دارد که از نظر آدلر کسی که علاقه اجتماعی اندکی دارد، انسان خودمحوری خواهد شد که دیگران را تحقیر می‌کند و هدف‌های سازنده‌ای ندارد (۱۶). زمانی که علاقه اجتماعی توسعه یابد احساس جدایی و کهنتری هم کاهش خواهد یافت، در حالی که زمانی که سطح علاقه اجتماعی پایین باشد، منجر به دلسردی و یاس و ناامیدی و ناهنجاری‌های روانی، عدم سازگاری و نارضايت از زندگی می‌شود. به‌طور کلی مطالعات از این فرضیه آدلر که علاقه اجتماعی ملاکی برای سلامت روان است، حمایت می‌کنند (۱۷).

تحقیقات نشان داده است که افرادی با سطوح بالای علاقه اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی مانند دوستی، همدلی و سازگاری را از خود نشان می‌دهند. این افراد همچنین دارای سطوح بالایی از رضایت زناشویی هستند. بر اساس پژوهش‌ها، دینداری و ویژگی‌های شخصیتی موجب افزایش علاقه اجتماعی در زوجین و در نتیجه افزایش کیفیت رابطه زناشویی آن‌ها می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی که رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خودشیفتگی است (۱۸). خودشیفتگی را می‌توان ظرفیت فرد برای حفظ یک تصویر مثبت در خلال خود نظم‌دهی، تنظیم عاطفه و فرایندهای بین‌فردی تعریف کرد؛ که بر پایه نیاز فرد به تأیید و تحسین و تلاش برای کسب تجارب بسط دهنده خود در محیط اجتماعی قرار دارد (۱۹). سازه خودشیفتگی برای افراد

1- marital satisfaction

2- social interest

3- narcissism

زناشویی، در یک مطالعه بین فرهنگی می باشد. هر دو کشور ایران و افغانستان به لحاظ اشتراکات فرهنگی و اجتماعی نزدیک به هم بوده و شرایط اجتماعی هر دو کشور در حال گذار می باشد. نزدیک به چهار دهه جنگ در افغانستان و رشد و گذار به سمت توسعه در هر دو کشور سبب شده تا به لحاظ مسایل روانشناختی تفاوت هایی ایجاد گردد که در این پژوهش از دو بعد علاقه اجتماعی خودشیفتگی و ارتباط آنها با رضایت مندی زناشویی پرداخته شد.

### روش

**طرح پژوهش:** روش پژوهش حاضر، از آن جهت که در نظر دارد تفاوت دو گروه از زوجین ایرانی و افغانستانی را در متغیرهای خودشیفتگی و علاقه اجتماعی بررسی کند از نوع علی-مقایسه ای است. با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت علاقه اجتماعی و خودشیفتگی در رضایت زناشویی و نقش تفاوت های فرهنگی این پژوهش در نظر دارد که متغیرهای فوق را در فرهنگ ایرانی و افغانستانی مورد مقایسه قرار دهد.

**آزمودنی‌ها:** جامعه آماری شامل دانشجوی متأهل ۲۲ تا ۴۵ ساله ایرانی و افغانستانی ساکن در ایران و افغانستان با تحصیلات حداقل لیسانس و حداکثر فوق لیسانس بودند که از میان آن‌ها ۱۰۱ زوج دانشجوی متأهل ایرانی و ۱۰۱ زوج دانشجوی متأهل افغانستانی به صورت در دسترس با مراجعه به مراکز دانشگاهی انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. شیوه نمونه‌گیری بدین صورت بود که با مراجعه به دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، علامه طباطبایی، شهید بهشتی و بین المللی امام خمینی قزوین دانشجویان متأهل ایران و از دانشگاه طب کابل، غرjestان، کاتب، پیام نور و خواجه عبدالله انصاری در افغانستان که حاضر به شرکت در پژوهش بودند، زوجین متأهل افغانستانی انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش داشتن حداقل سن ۲۲ و حداکثر ۴۵ سال و طول مدت ازدواج حداقل ۲ و حداکثر ۱۰ سال بود. همچنین دانشجویانی که در طی یکسال گذشته به روان‌شناس یا

عادی بیشتر با غرور، تکبر و رفتارهای تسلط‌جویانه تداعی می‌شود که از دیدگاه درمانگران و پژوهشگران شخصیت با خودشیفتگی بزرگ‌منشانه<sup>۱</sup> مشخص می‌شود (۱۸) در پژوهشی نشان داده شد که ابعاد خودشیفتگی مانند خودشیفتگی جنسی با نارضایتی از زندگی زناشویی و جنسی رابطه دارد. زوجین خودشیفته همدلی، پذیرش، و صمیمیتی کمتری دارند که این امر موجب کاهش کیفیت روابط زناشویی و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود (۲۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند فرهنگ و مکان جغرافیایی نه تنها بر شکل‌گیری شخصیت موثر است، بلکه بر تلقی افراد از ساختار و پویایی‌های شخصیت حتی در درون یک جامعه نیز اثرگذار است (۲۱). برای مثال افرادی که به تازگی به یک کشور مهاجرت کرده‌اند ممکن است منطبق با یک اختلال شخصیت قابل تشخیص عمل کنند، درحالی‌که صفات شخصیتی شایع در جامعه اولیه خود را ابراز می‌کنند (۲۲). شواهد بسیاری نشان‌دهنده تفاوت فرهنگ‌ها و مناطق جغرافیایی مختلفی در خودشیفتگی (۲۳) و علاقه اجتماعی (۲۴) هستند. در پژوهشی نشان دادند که افراد سیاه‌پوست نسبت به سفیدپوستان عزت نفس بالاتری را گزارش می‌کنند؛ یافته‌ای که توسط پژوهش توینگی و کروکر (۲۵) نیز تکرار شد. همچنین فاستر، کمپلو توینگی (۲۶) نشان دادند که در فرهنگ‌هایی که بر ارزش‌های فردگرایانه تأکید می‌شود، نسبت به فرهنگ‌های جمع‌گرا، خودشیفتگی بیشتری گزارش می‌شود. شواهد همسو دیگر نشان می‌دهند که افراد فرهنگ‌های فردگرا در مقایسه با افراد فرهنگ‌های جمع‌گرا تواضع کمتری دارند (۲۷)، بیشتر احتمال دارد که احساسات خود را به دیگران فرافکنی کنند و تجارب فردی را از چشم‌انداز خود که مغایر با برداشت دیگران است بیاد آورند. طبق پژوهش (۲۸) افراد در جوامع جمع‌گرا علاقه اجتماعی بیشتری را گزارش می‌دهند، در جوامع فردگرا میزان همدلی و مشارکت اجتماعی بیشتر است. هدف از پژوهش حاضر مقایسه دو سازه علاقه اجتماعی و خودشیفتگی و ارتباط آنها با رضایتمندی

1- grandiose narcissism

روان‌پزشک مراجعه کرده بودند از فهرست نهایی نمونه خارج شدند.

### ابزار

۱- پرسشنامه خودشیفتگی (NPI-16) : این پرسشنامه دارای ۱۶ جفت عبارت بوده و هدف آن سنجش ویژگی‌های شخصیت خودشیفته است. ضریب همبستگی بین نمرات NPI-16 و MCMI-II برابر ۰/۷۷ و معنی‌دار بود و روایی همگرایی پرسشنامه تأیید شد. ضریب پایایی بازآزمایی، ضریب همبستگی در تعیین پایایی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ محاسبه شد (۲۹).

۲- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: این پرسشنامه به مثابه یک ابزار معتبر، در پژوهش‌های متنوعی برای سنجش رضایت زناشویی استفاده شده است (۳۰)، پژوهشگرانی که از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کردند، معتقدند این مقیاس به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید نیز حساس است. هر یک از موضوع‌های این پرسشنامه در رابطه با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را توصیف کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج‌هایی که به دنبال تقویت رابطه زناشویی‌شان هستند استفاده شود. این پرسشنامه دارای ۱۱۵ ماده است و از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است. در این پژوهش از فرم کوتاه ۴۷ ماده ای رواسازی شده، استفاده شد که ۱۲ خرده مقیاس را شامل می‌شود. (۳۱)، در پژوهش حاضر اعتبار این پرسشنامه محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ به دست آمد.

۳- پرسشنامه علاقه اجتماعی (SIS): پرسشنامه علاقه اجتماعی (۳۲) برای اندازه‌گیری مفهوم آدلری از علاقه اجتماعی ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۲ سوال در رابطه دوستی، اهمیت خود، عشق و کار است.

همچنین شایان ذکر است که علی‌رغم قدیمی بودن این ابزار، به دلیل اعتبار آن و استفاده آن در جدیدترین تحقیقات انجام شده، این ابزار همچنان در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. SIS ابزاری است که توسط کراندال (۳۳) برای سنجش علاقه اجتماعی طراحی شد و در

آن از هر آزمودنی خواسته می‌شود که مشخص کند که کدام یک از ویژگی‌ها از میان ۱۵ جفت ویژگی، برای او بیشترین ارزش را دارد. برای بررسی روایی همگرایی پرسشنامه علاقه اجتماعی همزمان پرسشنامه SIS و SII توسط ۵۰ نفر (۲۵ زوج) تکمیل گردیده است. ضریب همبستگی ۰/۷۴ بین پرسشنامه SIS و SII به دست آمده است.

**روند اجرای پژوهش:** روش اجرای این پژوهش به صورت تکمیل پرسشنامه بود که پس از کسب رضایت افراد و ارائه توضیحات لازم در اختیار آن‌ها قرار گرفت برای اجرای پژوهش بعد از تعیین حجم نهایی نمونه، به ۵ دانشگاه‌های دولتی در ایران و همچنین ۴ مرکز دانشگاهی خصوصی و دولتی افغانستان مراجعه شد و دانشجویان متاهلی که شرایط ورود به آزمون را داشتند به صورت در دسترس انتخاب شدند. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش تمام دانشجویان رضایت خود را برای حضور در پژوهش اعلام کردند. همچنین به آن‌ها اطمینان داده شد که نتایج و شرح جلسات محرمانه باقی می‌ماند و صرفاً در جهت اهداف پژوهشی استفاده می‌شود. همچنین به اعضا گفته شد که مختارند در هر زمان از اجرای پژوهش که تمایل دارند، از ادامه همکاری صرف نظر کنند.

### یافته‌ها

با توجه به جدول شماره ۱ میانگین نمرات زوجین افغانستانی ۸/۹۳ در مقایسه با زوجین ایرانی ۱۲/۰۱ در خودشیفتگی و در علاقه اجتماعی (۱۳۸/۷۱ در برابر ۱۲۳/۵) است که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. اما دو گروه در رضامندی زناشویی تفاوت معناداری ندارند.

مقایسه این مقادیر در جدول ۲ نشان می‌دهد، تفاوت دو گروه تنها در متغیر خودشیفتگی معنادار است. با توجه به میانگین محاسبه در نمرات زوجین افغانستانی در مقایسه با زوجین ایرانی در خودشیفتگی، (۸/۹۳ در برابر ۱۲/۰۱) کمتر و در علاقه اجتماعی (۱۳۸/۷۱ در برابر ۱۲۳/۵۳) بیشتر است. اما دو گروه در رضامندی زناشویی (۸۲/۲۵ در برابر ۸۵/۴۵) تفاوت معناداری ندارند.

## جدول ۱) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

ایرانی		افغانستانی		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱۲/۱۷	۱۲۳/۵	۱۳/۴۲	۱۳۸/۷۱	علاقه اجتماعی
۱۱/۱۳	۱۲/۰۱	۳/۸	۸/۹۳	خودشیفتگی
۱۲/۴	۸۵/۴۵	۱۰/۴	۸۲/۲۵	رضامندی زناشویی

## جدول ۲) اثرات بین آزمودنی‌ها در متغیرهای وابسته

متغیرها	MS	F	df <sub>1</sub>	P	ضریب تأثیر
علاقه اجتماعی	۴۷/۹۸	۰/۴۱	۱	۰/۲۲۸	۰/۰۵
خودشیفتگی	۵۲/۸۷	۳/۴۵۲	۱	۰/۰۰۱	۰/۲۸
رضامندی زناشویی	۴۳/۲۲	۱۷/۳۸	۱	۰/۳۶۱	۰/۰۱۱

## جدول ۳) ضرایب همبستگی پیرسون رضامندی زناشویی با متغیرهای پژوهش

افغانستانی		ایرانی		متغیر
P	R	P	R	
۰/۰۱	۰/۴۲	۰/۰۱	۰/۳۸	علاقه اجتماعی
۰/۰۱	-۰/۲۴	۰/۰۱	-۰/۲۵	خودشیفتگی

افغانستانی رابطه معناداری وجود داشت. بین علاقه اجتماعی با رضامندی زناشویی رابطه مثبت و بین خودشیفتگی با رضامندی زناشویی رابطه منفی برقرار بود. این یافته‌ها تا حدی با نتایج یکی از پژوهش‌ها (۲۶) همسو است. آنها نیز به نوعی نشان دادند که فرهنگ عاملی متمایزکننده در میزان خودشیفتگی و علاقه اجتماعی است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرهنگ، شخصیت و دیدگاه‌های ما را نسبت به خودمان، تحت تأثیر قرار می‌دهد (۳۴). به علاوه حتی درون یک کشور خاص نیز، ممکن است فرهنگ بر نگرش افراد نسبت به خود و تعریفی که از خود دارند کاملاً متفاوت تأثیر بگذارد (۳۵).

برخی پژوهش‌ها علت تفاوت در نگرش افراد به خود در فرهنگ‌های مختلف را ناشی از فردگرایی یا جمع‌گرایی جوامع می‌دانند. برای مثال پژوهش‌ها نشان دادند که افرادی که در فرهنگ‌های فردگرا هستند، در مقایسه با افرادی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا زندگی می‌کنند، به‌طور قوی‌تری با احساسات مثبت درباره کفایت خود سازگار می‌شوند و تواضع کمتری دارند، بیشتر احتمال دارد احساساتشان را روی دیگران فرافکنی کنند و موقعیت‌های شخصی را از دیدگاه

همان‌گونه که از جدول ۳ مشخص است، محاسبه ضریب همبستگی پیرسون نشانگر این بوده است که در زوجین ایرانی علاقه اجتماعی ( $r=0/38$ ) با رضامندی زناشویی رابطه مثبت معنادار و خودشیفتگی ( $r=-0/25$ ) با رضامندی زناشویی ( $P<0/01$ ) رابطه منفی معناداری دارند. به همین صورت در زوجین افغانستانی علاقه اجتماعی ( $r=0/42$ ) رابطه مثبت معنادار و خودشیفتگی ( $r=-0/24$ ) رابطه منفی معنادار با رضامندی زناشویی نشان داده‌اند. بعبارت دیگر با افزایش نمرات علاقه اجتماعی میزان رضامندی زناشویی که زوجین گزارش می‌دهند افزایش می‌یابد، درحالی‌که با کاهش نمرات در خودشیفتگی رضامندی زناشویی در هر دو گروه از زوجین ایرانی و افغانستانی افزایش می‌یابد.

## بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، بین علاقه اجتماعی و خودشیفتگی در زوجین ایرانی و افغانستانی تفاوت وجود دارد. زوجین متأهل ایرانی در مقایسه با زوجین افغانستانی خودشیفتگی بیشتر و علاقه اجتماعی کمتری را گزارش کردند. همچنین بین علاقه اجتماعی و خودشیفتگی با رضامندی زناشویی در هر دو گروه زوجین ایرانی و

از خود اشاره دارند و با مفاهیمی همچون خودخواهی، خودرایی، برتری جویی، متضاد است (۳۶). تفاوت فرهنگی دو جامعه از جهت میزان فردگرایی و جمع گرایی و جهت یابی بیشتر مردم ایران به سمت مدرنیته می تواند یکی از علت های تفاوت دو جامعه در علاقه اجتماعی باشد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد، خودشیفتگی با رضامندی زناشویی در زوجین ایرانی و افغانستانی رابطه منفی و با علاقه اجتماعی رابطه مثبت دارد. زوجینی که خودشیفتگی کمتر و علاقه اجتماعی بیشتری را گزارش می دهند، رضامندی زناشویی بیشتری را هم تجربه می کنند. این یافته ها با پژوهش های دیگر ذکر شده در این پژوهش همسو است.

محدودیت نهفته و ذاتی در فنون خودسنجی از محدودیت های این مطالعه بود. مهارت افراد خودشیفته در به جا گذاشتن یک تأثیر خوب در ملاقات اولیه و همچنین میل شدید به فریب دادن خود و دیگران محدودیتی اساسی را پیش پای فنون خودسنجی که این مطالعه بر آن ها تکیه دارد قرار می دهد. مطالعات صورت گرفته در زمینه خودشیفتگی چه در ایران و چه در سایر کشورها بیشتر بر خودشیفتگی ناسالم متمرکز بوده اند. از این رو پیشنهاد می شود که در پژوهش های آتی با استفاده از ابزارهای مرتبط خودشیفتگی سالم نیز بررسی شود.

#### منابع

- 1- Berry J, . P, H.Y., Segal MH, Dasen. Cross-cultural psychology: Research and applications: Cambridge University Press. 2002.
- 2- Borna M Hassanabadi h, Qanbari hashemabadi B., Comparison of the Effectiveness of Group Therapy Couples Based on the Emotion-Oriented Approach and Reality Therapy on Couple Marital Satisfaction. journal of clinical psychology 2015; 7(4): 37-44.
- 3- Gross E. Security Sector Reform in Afghanistan: the EU's contribution: European Union Institute for Security Studies Paris. 2009.
- 4- Emadi H. Culture and customs of Afghanistan: Greenwood Publishing Group. 2005.
- 5- Goldenberg I. HERBERT GOLDENBERG. Family Therapy: An Overview (Monterey, Calif: Brooks/Cole Publishing Co, 1980). 2008.
- 6- Bernstein F, Bernstein M. Marital Therapy (Recognition and treatment of marital differences). Trans Sohrabi H 1st ed Tehran: Rasa Publication. 2003 :83-4.
- 7- Rahel FJ, Bierwagen B, Taniguchi Y. Managing aquatic species of conservation concern in the face

مخالف با دید دیگران به یاد می آورند (۲۱) بیشتر گرفتار خودبزرگ بینی اند (۲۷). سوالی که مطرح می شود این است : از آنجا که هر دو کشور ایران و افغانستان کشورهای درحال گذار به سمت توسعه محسوب می شوند آیا این تفاوت در خودشیفتگی می تواند برخاسته از فرهنگ جمع گرایی- فردگرایی متفاوت دو جامعه باشد؟ برای پاسخ به این سوال می توان به تغییر نگرش مردم ایران در طی چند دهه گذشته توجه کرد. پژوهش های روانشناسی اجتماعی در طی چند سال گذشته نشان داده اند که ایرانیان در مقایسه با سال های انقلاب یا جنگ تحمیلی نمرات بالاتری در استقلال، تمرکز بر خود و زندگی خود، و نمرات کمتری در توجه به اطراف و دیگران به دست آورده اند. همچنین بر اساس پژوهش های روانشناسی اجتماعی مردم ایران در مقایسه با گذشته بیشتر بر حقوق خود نسبت به تکالیفشان تأکید دارند. آن ها نسبت به خویشاوندان درجه اول بیشتر دل مشغول اند تا بر افراد دورتر و همسایگان. ایرانیان در مقایسه با گذشته بر خودمختاری شخصی و تحقق خود تأکید می ورزند و هویت خود و موفقیت های شخصی را مبنا قرار می دهند. روان شناسان تغییر نگرش ایرانیان در طی دو دهه گذشته را ناشی از خارج شدن از بحران های عمومی مثل جنگ تعبیر می کنند. ماهیت آسیبزا و همه گیر جنگ؛ مردم را ناخودآگاه به سمت تعاون، همکاری، جمع گرایی و تمرکز کمتر بر خود و خواسته های خود سوق می دهد. وقتی مردم افغانستان هنوز در گیرودار جنگ و کشمکش های داخلی هستند، برای کسب حمایت اجتماعی، به سمت نوع دوستی و تمرکز بر دیگران به جای خود تشویق می شوند. آن ها علاقه اجتماعی بیشتری را گزارش کردند چرا که در فرهنگ افغانستان، همدلی و نوع دوستی تأکید می شود. مردم برای رها شدن از احساس های تنهایی و ناامنی ناشی از جنگ به تعاون و همدلی گرایش پیدا می کنند و از تمایلات خودخواهانه آن ها کاسته می شود. مردم افغانستان میزان علاقه اجتماعی بیشتری را در مقایسه با زوجین ایرانی گزارش دادند کردند که با مفاهیمی چون همدردی، فهمیدن، همکاری، سهیم شدن، دوست داشتن دیگران، همدلی و با مفاهیمی چون دگرخواهی، خیرخواهی، ایشار، نوع دوستی و غمخواری مرتبط است که همگی به علاقه به دیگران بیش

- 23- Twenge JM, Foster JD. Birth cohort increases in narcissistic personality traits among American college students, 1982–2009. *Social Psychological and Personality Science*. 2010; 1(1): 99-106.
- 24- Konrath SH. Egos Inflating over Time: Rising Narcissism and its Implications for Self-Constraint, Cognitive Style, and Behavior. 2007.
- 25- Twenge JM, Crocker J. Race and self-esteem: meta-analyses comparing whites, blacks, Hispanics, Asians, and American Indians and comment on Gray-Little and Hafdahl (2000). 2002.
- 26- Foster JD, Campbell WK, Twenge JM. Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world. *Journal of Research in Personality*. 2003; 37(6): 469-86.
- 27- Kurman J. (2001). Self-enhancement: Is it restricted to individualistic cultures? *Personality and Social Psychology Bulletin*. 27. 1705.
- 28- Triandis HC, Gelfand MJ. Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. *Journal of personality and social psychology*. 1998; 74(1): 118.
- 29- zade m. Iranian validation of the narcissistic personality inventory-16. 2010.
- 30- Nemechek S, Olson KR. Personality and marital adjustment. *Psychological Reports*. 1996; 78(1): 26-.
- 31- Soleimanian AA. The Effect of Irrational Thoughts (Based on Cognitive Approach) on Marital Dissatisfaction,. 1994; Master's Thesis, Unpublished, University of Tehran.
- 32- Greever K, Tseng M, Friedland BU. Development of the Social Interest Index. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 1973; 41(3): 454.
- 33- Crandall JE, Harris MD. Social interest, cooperation, and altruism. *Journal of Individual Psychology*. 1976.
- 34- Markus HR, Kitayama S. The cultural construction of self and emotion: Implications for social behavior. *Emotions in social psychology: Essential reading*. 2001: 119-37.
- 35- Ali Mohammadi Z. . Individual culture, collectivist culture: culture also causes narcissism? 2006; *The growth of the school counselor*. 6. 6 -9.
- 36- Newbauer JF, Stone MH. Social Interest and Self-Reported Distress in a Delinquent Sample: Application of the SSSI and the MAYSI-2. *Journal of Individual Psychology*. 2010; 66(2).
- of climate change and invasive species. *Conservation Biology*. 2008; 22(3): 551-61.
- 8- Nzenweaku JU. Role of Communication, Age and Education in Marital Conflict. 2016.
- 9- Bersani BE, Doherty EE. When the ties that bind unwind: Examining the enduring and situational processes of change behind the marriage effect. *Criminology*. 2013; 51(2): 399-433.
- 10- Rajabi Gh.R, Karjoo-Kasmayi S, Jabari H. The Effect of Cognitive Couple Therapy on Reducing Depression and Increasing Marital Satisfaction. *Journal of clinical psychology*. 2011; 2(4): 9-17.
- 11- Ahmadzadeh M, Faramarzi S, Shamsi A, and Samadi M. Transactional Analysis of Relationship between Attachment Styles and Marital Satisfaction, Thought and Behavior. 1391.
- 12- turkan h, kalantari m, molavi h. Effectiveness of group therapy in the method of exchange analysis on marital satisfaction, *Family Quarterly Journal*. 2, 8. 2006.
- 13- Bigbee A. The relationship between religion, social interest, and wellness in adults: The University of North Carolina at Greensboro. 2008.
- 14- Karimi Y. *Personality Psychology*, Publishing Edition. 2008.
- 15- Kim E, Park H-J, Hogge I. Examination of the Adlerian constructs of activity and social interest with depression among recent Korean retirees: Meaning in life as a mediator. *Archives of gerontology and geriatrics*. 2015; 61(3): 378-83.
- 16- Sharf RS. *Theories of psychotherapy & counseling: Concepts and cases: Cengage Learning*. 2015.
- 17- Diaryan MM. Investigating the relationship between social interest, religiosity, personality traits and demographic factors with the quality of marital relationship and providing a structural equation model for predicting the quality of marital r. Phd dissertation on family counseling Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan. 2011.
- 18- McNulty JK, Widman L. The implications of sexual narcissism for sexual and marital satisfaction. *Archives of Sexual Behavior*. 2013; 42(6): 1021-32.
- 19- Pincus AL, Lukowitsky MR. Pathological narcissism and narcissistic personality disorder. *Annual review of clinical psychology*. 2010; 6: 421-46.
- 20- Munro D, Bore M, Powis D. Personality factors in professional ethical behaviour: Studies of empathy and narcissism. *Australian Journal of Psychology*. 2005; 57(1): 49-60.
- 21- Cohen D, Gunz A. As seen by the other...: Perspectives on the self in the memories and emotional perceptions of Easterners and Westerners. *Psychological Science*. 2002; 13(1): 55-9.
- 22- Saduk B, Saduk CA. A summary of psychiatry (translated by F. Rezaee). 2008; Volume II Tehran: Arjomand.